

آیا کسی سراغی از ایران گرفته است؟



گفت و گو با «محمدعلی شعاعی»
مدیرکل دفتر مجامع
و فعالیت‌های فرهنگی وزارت ارشاد

○ مهدی طه‌پوری

سال ۷۸ و نیمه اول ۷۹، ۱۲۵ عنوان از ۳۰ ناشر، در مرحله اول انتخاب شد و پس از ویرایش اولیه، این تعداد به ۱۰۵ عنوان رسید.

این مجموعه، بار دیگر مورد بررسی قرار گرفت با این نگاه که آیا با بازار بین‌الملل تناسب دارد یا نه؟ تغییراتی در گزینش‌ها انجام گرفت و پیشنهاد شد اصلاحاتی در متن صورت پذیرد. سپس گروهی را انتخاب کردیم تا تمام داستان‌ها را معرفی تحلیلی کنند. خلاصه‌ای از داستان و نقطه‌های عطف آن ذکر شد، اما نه آن‌گونه که مخاطب از خواندن اصل داستان بی‌نیاز شود. آن‌گاه برای کتاب‌هایی که در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی برگزیده شده بودند، نقد و تحلیل و معرفی کامل‌تری نوشته شد؛ به گونه‌ای که نویسنده، معرفی و ویژگی اثرش گفته شود و احتمالاً با یک نویسنده خارجی نیز مورد مقایسه قرار گیرد. این مجموعه، در واقع چکیده کارهای سال گذشته ما بود. ما ناشرانی را که در این مجموعه اثر داشتند، معرفی کردیم. نویسندگان برگزیده را گزینش کردیم و برای آن که اطمینان پیدا کنیم داورهای مان بی‌طرفانه بوده است، چند گرایش را انتخاب کردیم و کارها را از زوایای مختلف دیدیم. تمام چکیده‌ها و تحلیل‌ها اکنون به زبان انگلیسی ترجمه شده است و ما امیدواریم در یکی دو ماه آینده بتوانیم این اثر را در دو جلد چاپ کنیم. یک جلد ۱۰۰ اثر برگزیده و جلد دیگر مجموعه مقالات. در این طرح، ده‌ها نفر به کمک ما

نتوانسته‌ایم خود را معرفی کنیم. با این پیش‌فرض، من مسؤولیت این کار را به‌عهده گرفتیم. در آغاز، تصور بر این بود که ما باید از صفر شروع کنیم، ولی مطالعات اولیه، نشان داد که ناشران زیادی در این زمینه تلاش کرده‌اند و به دلایل مختلفی، موفق نشده‌اند.

بررسی‌ها نشان داد که ما به ترجمه رسا نیاز داریم و نیاز داریم که اطلاع‌رسانی دقیق و صحیح انجام دهیم. از طرفی، ما در کنواسیون کپی‌رایت یا حقوق مؤلف در سطح بین‌المللی، عضو نیستیم که همین باعث می‌شود دیگران به ما اعتماد نکنند. ما به مرور، به این نتیجه رسیدیم که باید از سرمایه‌هایی که داریم، استفاده کنیم. اول باید می‌دیدیم ادعاهایی که می‌کنیم واقعیت دارد یا نه؟ آیا اثری هست که در سطح بین‌الملل، حرفی برای گفتن داشته باشد؟ طرحی را به معاونت فرهنگی وزارتخانه تقدیم کردیم. آقای مسجدمجمعی که آن موقع در این بخش مسؤولیت داشتند، طرح را قبول کردند و ما با جمعی از دوستان متخصص این حوزه، کار گزینش کتاب‌ها را شروع کردیم. برای آغاز کار، سال ۱۳۷۸ را انتخاب کردیم و کتاب‌های چاپ این سال، مورد بررسی قرار گرفت و با کمک داوران و کارشناسان متبحر در کتاب کودک و نوجوان که با فرهنگ بین‌الملل نیز آشنا بودند، شناسایی شد. این برنامه، حدود یک سال طول کشید؛ یعنی از اوایل سال ۷۹ تا همین الان که کار به پایان رسیده است. از بین ۶۰۰ کتاب چاپ اول

سال هاست این سوال، در ذهن نویسندگان و خوانندگان ایرانی، بی‌پاسخ مانده است که چگونه باید آثار ایرانی را به دنیا شناساند. به تازگی، دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به انتشار مجموعه‌ای در این زمینه اقدام کرده است. در این مجموعه، برای آشنایی ناشران خارجی با کتاب‌های کودک و نوجوان ایرانی، تمام کتاب‌های سال ۷۸ بررسی و از بین آنها بهترین‌ها انتخاب شده است. در ضمن، چکیده متن کتاب‌ها، به زبان انگلیسی منتشر شده است.

در این باره، با محمدعلی شعاعی، مدیرکل مجامع و فعالیت‌های فرهنگی وزارت ارشاد، گفت و گویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید:

○ چه شد که به فکر انتشار چنین مجموعه‌ای افتادید؟
در باره مراحل کار و ویژگی‌های آن توضیح دهید.

دفتر مجامع، از حدود سه سال پیش، موظف شد که مسئله معرفی آثار مکتوب ایران را در سطح دنیا آغاز کند. پیش‌فرض بر این بود که در کشور ما سرمایه‌های ادبی و فرهنگی فراوانی وجود دارد که می‌تواند در سطح دنیا مورد توجه قرار بگیرد و معتقد بودیم به سبب فاصله زبانی، امکان ارزیابی آثار ایرانی، آن‌طور که باید و شاید، نیست. یک منتقد خارجی، شاید یک فیلم ایرانی را بهتر بتواند درک کند، ولی با یک کتاب ایرانی، به راحتی نمی‌تواند ارتباط بگیرد. هم به دلیل مشکل زبان و هم به این دلیل که ما

شنافتند. گروه داوران خوبی داشتیم، گروه مترجمان خوبی داشتیم، ویراستاران، ارزیاب‌ها و کسانی که در حوزهٔ متن انگلیسی به ما کمک کردند...

شرح حال تک تک نویسنده‌ها آورده شده، ضمن آن که ناشران هم معرفی شده‌اند و این مجموعه، امکان ارتباط با ناشر و نویسنده را فراهم می‌کند.

امیدواریم این کار مبنایی شود برای راهیابی کتاب‌های ایرانی به بازار بین‌الملل. می‌گوییم «مینا»، از این نظر که در نمایشگاه‌های بزرگ مثل «فرانکفورت» و «بولونیا»، ناشران کشورهای مثل دانمارک یا اسپانیا یا فرانسه نیز که از نظر نشر بسیار پیشرفته‌اند، از چنین روش‌هایی برای معرفی آثارشان استفاده می‌کنند. در این مجموعه، سعی شده است رنگ و بوی ایرانی حفظ شود. ضمن آن که سعی کرده‌ایم از تجربه‌های دیگران نیز استفاده کنیم.

○ چنین حرکتی آیا از این به بعد نیز ادامه خواهد داشت؟
این که بعد از این چه باید بکنیم، فکر نمی‌کنم تمام کارها به عهدهٔ دولت باشد. درواقع، در این کار هم دولت تنها در قسمت مدیریت فعال بود، وگرنه بخش خصوصی، ناشران و نویسندگان در زمینه‌های دیگر کار مشغول به کار بودند. فکر می‌کنم از این به بعد، هم مدیریت و هم اجرا باید به عهدهٔ خود ناشران باشد. اگر ناشر ایرانی در دنیا شناخته شد، خودش باید زبان ارتباط را بلد باشد و بداند که چه‌طور اثرش را معرفی و از آن حمایت کند.

○ چرا تاکنون حرکت‌های موازی این حرکت از سوی ناشران مختلف خصوصی و دولتی، یا شکست رو به رو شده است و سرانجام نیز کار به مدیریت و حمایت دولت انجام گرفت؟

تصور می‌کنم باید علت ناموفق بودن‌مان را در یک محاسبهٔ سادهٔ تجاری - اقتصادی جست و جو کرد. ما ناشران فرهیخته‌ای داریم که می‌دانستند در سطح دنیا می‌شود آثار بسیاری از ایران را معرفی کرد و مطمئناً این آثار با استقبال رو به رو خواهد شد و این کشفی نیست که ما کرده باشیم، اما دنیای نشر، دنیای رقابت است. ما فقط یک کار فرهنگی انجام نمی‌دهیم. این کار اقتصادی است و باید «صرف‌کند». ناشر خارجی، کتابش به انگلیسی یا فرانسه یا اسپانیولی یا غیره نوشته شده که هرکدام مخاطبان زیادی دارند و تیراژشان بسیار بالاست و خود به خود، اثر در سیستم توزیع بسیار مطلوبی قرار می‌گیرد. با چنین سیستمی، ناشر ایرانی باید رقابت کند. دولت فرانسه، از آثار فرانسوی زبان حمایت می‌کند؛ چرا که نسبت به زبان انگلیسی، مخاطبِ کمتر و چالش بیشتری دارد. دولت فرانسه، برای حمایت از فرهنگ خودش و برای مقابله با جهانی شدن فرهنگ، از آثار برجستهٔ بومی حمایت می‌کند. همین کار را آلمانی زبان‌ها می‌کنند، اسپانیولی زبان‌ها هم می‌کنند. مسوؤل نشر بین‌المللی کتاب فرانسه، در نمایشگاه چهاردهم، در تهران بود. او می‌گفت که ما ۸۰ درصد

هزینه‌های حضور ناشران قوی خود را در نمایشگاه‌های بین‌المللی می‌پردازیم. ببینید، زبان فرانسه، از زبان فارسی بسیار بیشتر مورد توجه و استفاده است. با وجود این، چنین حمایت‌هایی از آن می‌شود. پس به طریق اولی، باید از ناشران ایرانی حمایت کرد. نشر بین‌المللی نیز از لحاظ اقتصادی، بازده خوبی دارد. اگر سرمایه‌گذاری کنیم، درازمدت، بازده خیلی خوبی خواهیم داشت. این امر، البته سرمایهٔ اولیهٔ زیادی می‌طلبد که ممکن است ابتدا برای ناشران صرف نکند و دولت باید وارد کار شود. علی‌الخصوص که سیستم بین‌المللی توزیع، به راحتی راه را بر ناشران ما باز نمی‌کند.

○ در مورد لزوم پیوستن یا نبودن به سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)، برای مان بگویید.

ما عضو کنوانسیون کی‌رایت نیستیم و تا زمانی که به این کنوانسیون نپیوندیم، کارمان با مشکل روبه‌روست و ضررهای زیادی خواهیم کرد. البته، این را هم باید در نظر داشت که ما بیشتر کتاب خارجی وارد می‌کنیم تا این که بخواهیم کتاب ایرانی عرضه کنیم. پیوستن به کنوانسیون کی‌رایت، یعنی پرداختن حق تألیف کتاب خارجی. پس نمی‌توان نظر جامعی در این‌باره داد، اما به هر حال، از نظر نشر بین‌المللی، عضویت در این کنوانسیون حتماً در رونق کتاب ایرانی مؤثر خواهد بود.

○ چگونه می‌توانید از بازخورد این مجموعه‌ها و معرفی کتاب کودک و نوجوان ایرانی در دنیا، مطلع شوید؟

خیلی پیچیده نیست. ما در دنیا مؤسسات مختلفی داریم. ناشر کتاب را تولید می‌کند، جاهایی هست که کار گرافیک را به عهده دارند، جاهایی هست که در مورد مسائل حقوقی به ناشر کمک می‌رسانند و جاهایی هست که مخاطبان را ارزیابی می‌کنند. اگر ویراستاری از یک انتشارات بزرگ، کتابی را بپسندد، یعنی آن کتاب در چارچوب انتظارات مخاطباتش می‌گنجد. اگر ویراستاران، کتاب‌های ما را پسندند، ما می‌توانیم از بازخورد کار مطلع شویم که این، کم کم دارد اتفاق می‌افتد. در دو حوزه، ما شاهد استقبال از کتاب‌های ایرانی هستیم. نخست در جشنواره‌ها که شما باید بهتر خبر داشته باشید و دیگر آن که بعضی از ناشران دارند با ناشران خارجی قرارداد می‌بندند که نشان می‌دهد کتاب ایرانی، در سطح بین‌المللی قابل طرح است. اما این که مخاطب واقعی، چه‌طور کتاب را ارزیابی خواهد کرد، باید صبر کنیم و منتظر باشیم کتاب به دست مخاطبان غیرایرانی برسد و ما بازتاب‌ها را ارزیابی کنیم. در حال حاضر، کتاب ایرانی، چندان مطرح نیست. تا حالا هر بار کتاب ایرانی در سطح بین‌الملل مطرح شده، بیشتر از روی علاقه‌ی روشنفکران بوده است. اثری متفاوت از دنیایی متفاوت، در غرب مطرح شده و تیراژهای بسیار پایینی داشته است. امیدواریم این جریان جدید، هنگامی که در بازار خود را مطرح کرد، بازتاب خوبی داشته باشد.

○ آیا به تصویرگری نیز پرداخته‌اید؟

تصویرگری، هدف اصلی نبوده است ؛ اگرچه تصاویر روی جلد کتاب‌ها را در این مجموعه گنجانده‌ایم. کار در این مورد، خودش مجموعه مستقلی می‌طلبد. جای یک نکته هم باقی است که ما ببینیم در چه سنینی موفق خواهیم بود. کتاب‌هایی که تصویر زیادی دارند، معمولاً مال کودکان است که ما در این حوزه، راحت نمی‌توانیم نفوذ کنیم؛ اگرچه تصویرگران ایرانی همواره موفق بوده‌اند.

○ معمولاً کتاب‌های ایرانی، از نظر فیزیک و کیفیت، با کتاب‌های خارجی قابل رقابت نیست. در این مورد چه فکری کرده‌اید؟

فیزیک کتاب، در ارائه کارهای کودک و نوجوان، خیلی مهم است. ولی هدف آن است که کتاب خریداری شود و ناشر خارجی، با فیزیک جدیدی آن را عرضه کند. در بعضی کشورها قوانین سختی در مورد چاپ کتاب کودک وجود دارد. حتی در مورد جنس کاغذ، رنگ کاغذ، نوع جوهر و ترکیبات جوهر مطالعه شده است و اگر کوچک‌ترین تفاوتی با استاندارد مطلوب داشته باشد، قابل چاپ نخواهد بود. در مجموع، اگر کتاب پسندیده و ترجمه شده، از این نظر مشکلی وجود نخواهد داشت، ضمن آن که ناشران ایرانی نیز اگر بخواهند کاری را برای خارج از کشور آماده کنند، می‌کوشند کیفیت بهتری داشته باشد.

○ آیا ایران، تا به حال، در بازار جهانی کتاب، حرفی برای گفتن داشته است؟

شرق‌شناسان و متخصصان فرهنگ ایرانی، در اروپا بسیارند. آنها آثار و گنجینه‌های ما را می‌شناسند و چیزهایی را که به دردشان می‌خورد، گزینش می‌کنند و می‌برند؛ با سلیقهٔ خودشان و بدون آن که ما حتی خبر داشته باشیم. در بازار جهانی کتاب، حدود ۱۵۰۰ عنوان کتاب دربارهٔ ایران می‌شود خرید. اما ناشران ایرانی از آنها بی‌اطلاعند. مقداری از این آثار را خودشان می‌نویسند که تحلیل‌ها و مسائل سیاسی - اجتماعی است، ولی بخش عمده‌ای از اینها گنجینه‌ها و میراث فرهنگی ماست که مطالعه کرده‌اند و برده‌اند. این البته، مربوط می‌شود به بخش صددرصد حرفه‌ای و تحقیقی. یک مخاطب غیرمتخصص، اصلاً نمی‌داند که این‌جا چه خبر است و بنابراین، به سراغ کتاب ایرانی هم نمی‌رود. این وظیفهٔ ماست که خودمان را به او معرفی کنیم.

○ اگر امکان دارد، یک ارزیابی کلی از کار ارائه بدهید.
ما سعی کرده‌ایم دیدگاه‌های مختلف را در این کار در نظر داشته باشیم. دست کم سه بار، دست به اصلاحات کلی زده‌ایم. ما تلاش‌مان را کرده‌ایم، ولی بدون شک، در اولین قدم هستیم و می‌دانیم که بهترین کار را ارائه نداده‌ایم.